



comparative comparison the views of Akhbarians and Shiya rationalists on six interpretive rules

(Received: 2021-9-20 Accepted: 2023-2-5)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.11.7>

Esfahani, Seyyed Abdollah¹

Abstract

Akhbarian thinking is influential in the scope of Shia sciences, such as jurisprudence, osul, interpretation, etc., and is considered one of active thinking. The question of this research, which is designed in a descriptive-analytical and fundamental way, is to compare the views of Akhbarians and logical Shiya commentators regarding the six rules of interpretation. Although the first tendencies of Akhbarism apparently existed in the thought of Muhammad Amin Estrabadi in a latent and hidden form from about five centuries ago, it was not often from the side of the Shiya Muhaddithians, nor was it in conflict with Usulians such as Sheikh Mofid and Seyyed Morteza and Sheikh Tusi. What can be obtained from the comparison of these two approaches regarding the six interpretation rules is: Invalidity of zan in religious teachings, Only zans are valid if their origin is not from imperfect intellect, ghyas, estehsan, personal opinion and whims of the ego, They disagree with the rationalists about the zans whose origin is pure reason, The orders raised in the principles and branches of religion, which are taken from the appearance of the Quran, are not considered valid, Only through the narrations of Ahl al-Bayt (a.s.) can we be sure of the rulings of Sharia, The scope of the four laws cannot be limited, which are: Continuity of the text of the Quran, siagh, jary and tatbigh, and the unity of the Qurans appearance and its interior.

Key words: comparative comparison, rules of interpretation, akhbarians, rationalists.

¹ Assistant Professor of the Holy Quran University of Sciences and Education, Amol, Iran
esfahaniquran@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی شش قاعده تفسیری از دیدگاه اخباریان و عقل گرایان شیعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۶/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.11.7>سید عبدالله اصفهانی^۱**چکیده**

گرایش اخباری، رویکردی معرفتی در حوزه دانش های شیعی نظیر: فقه، اصول، تفسیر و... و یکی از جریان های فعال و تاثیرگذار محسوب می شود. پرسش پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و بنیادین نگاشته شده، مقایسه دیدگاه های اخباریان و مفسران عقل گرای شیعه در قلمرو شش قاعده تفسیری است. هرچند اندیشه های نخستین اخباری گری ظاهراً حدود پنج قرن قبل از محمد امین استرآبادی به شکل نهفته و پنهان وجود داشته، ولی عمدتاً در قالب محدثان شیعه و در تضاد با اصولیانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی نبوده است. دستاورد مقایسه تطبیقی دو رویکرد فوق در مورد شش قاعده تفسیری عبارتست از: انکار مطلق اعتبار ظن در آموزه های دینی؛ اعتبار ظنون که برخاسته از عقل ناقص، قیاس، استحسان، رای شخصی و هوای نفس نباشد، با تفاوت دیدگاهشان با عقل گرایان در خصوص ظنون برخاسته از عقل محض؛ ظنی و غیر معتبر دانستن احکام نظری در اصول و فروع دین برخاسته از ظواهرقرآن؛ انحصار تحصیل یقین در احکام دینی صرفاً از طریق روایات اهل بیت (علیهم السلام)؛ انکار مطلق یا محدود ساختن قلمرو قواعد چهارگانه: پیوستگی متن قرآن، سیاق، جری و تطبیق و توأمانی ظاهر و باطن قرآن.

کلید واژه ها: بررسی تطبیقی، قواعد تفسیر، اخباریان، عقلگرایان

^۱ . استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ، دانشکده علوم قرآنی امل، ایران(نویسنده مسئول)

esfahaniquran@gmail.com



گرایش اخباری و حدیث‌گرایانه، رویکردی در معرفت‌دینی و طیف دانش‌های شیعی است که در تفسیر قرآن نیز مشاهده می‌شود. با صرف نظر از فراز و نشیب‌ها و شدت و ضعف‌های باورهای اخباری‌گری، می‌توان اخباریان را فرقه‌ای از علمای امامیه در دوران متأخر دانست که با استناد به روش و عمل سلف صالح (محدثان و حدیث‌گرایان)، اخبار اهل بیت علیهم‌السلام را مهم‌ترین ماخذ در عقاید - حتی در اصول دین، اخلاقیات و احکام شرعی می‌دانند و به روش‌های اجتهادی و رجالی متاخران، به ویژه آن‌چه مبنایی جز عقل نداشته باشد به دیده انتقاد می‌نگرند (بهشتی، ۱۳، ص ۳۱).

اندیشه اخباری‌گری عمدتاً در قالب محدثان شیعه و در تضاد با اصولیانی هم‌چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی نبوده است؛ بلکه کارکردی به عنوان مکمل اصولیان شیعه ارایه نموده است. به طوری که برخی با خوش‌بینی اخباری و اصولی را فرقه واحد دانسته‌اند (العمران، ۱۳۷۵: ۳۲؛ بحرانی، ۱۴۲۳: ۳ / ۲۸۸) ولی آنچه واقعیت دارد و مورد پذیرش غالب پژوهشگران و عالمان شیعه است، آن است که مشرب اخباری‌گری در قرن‌های ده و یازده هجری و طی دوره صفویه در ایران و به ویژه دوره استرآبادی و شاگردان وی، شاهد تحول تفکر اخباری و ورود آن به مرحله‌ای جدید و با اندیشه‌ای خاص بوده است (فائز، ۱۳۹۳: ۱۵۴ و ۱۴۲ / لوسن، ۱۳۹۸: ۳).

مفسران اصولی شیعه ظواهر قرآن را حجت می‌دانند و آن را به بنای عقلا مستند نموده و بستر استناد به همه قراین نقلی از قبیل آیات قرآن و قراین عقلی و عقلایی مانند اصول عقلایی محاوره‌ای، سیاق و ... را فراهم می‌کنند؛ لیکن اخباریان در حجیت ظواهر مناقشه نموده و غالباً، تفسیر قرآن را فقط در صورتی مجاز می‌دانند که به وسیله اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده باشد (رازی نجفی، ۱۴۳۰: ۶۸۸؛ حسینیان، ۱۳۸۰: صص ۲۰۴-۲۰۵، صدر، ۱۳۷۵: صص ۸۰-۸۱).

عالمانی هم‌چون ملامحمد تقی مجلسی، شیخ حر آملی، ملامحسن فیض کاشانی، علامه محمدباقر مجلسی، سید هاشم بحرانی، عبدالعلی هویزی بحرانی، سید نعمت‌الله جزایری، شیخ یوسف بحرانی و صدها عالم دیگر به جریان فکری اخباری‌گری تعلق دارند.

اگرچه اخباری‌گری پس از قرن ۱۳ هجری و با تلاش وحید بهبهانی و شاگردانش سیر نزولی خویش را آغاز و رو به افول نهاد ولی چراغ آن هرگز خاموش نشد؛ به طوری که این مکتب در حوزه‌های دینی شیعه و به شکل‌های مختلف، رسوباتی از خود به جای نهاد و هنوز روحیه اخباری‌گری کم و بیش زنده است و حتی رگه‌های آن در برخی مجتهدان و اصولیان به چشم می‌خورد (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۲).

از سوی دیگر قواعد تفسیر از شاخه‌های علوم قرآنی، عنصر اساسی استنباطِ روشمند مفاهیم قرآن، ملاکِ انتخاب دیدگاه صحیح در اختلاف نظرهای مفسران و موجب کاهش خطاهای تفسیری محسوب می‌شود. (السبت، ۱۴۲۱: ۱ / ۴۲). رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۴۷).

اینک یادکرد این مطلب ضروری می‌نماید که کتب و مقالاتی که در حوزه اخباری‌گری نگارش یافته، غالباً از چالش‌های ذیل متألم است:

۱- ناسازگاری و تضاد محتوایی؛ به طوری که دیدگاه‌های متضادی در خصوص استنباط از اندیشه‌های اخباریان مشاهده می‌شود که ظاهراً نتوانسته‌اند به نظر واحد و نگرش جامعی در زمینه دیدگاه اخباریان دست یابند. این نقص به نوبه خود، برخاسته از آسیب دیگری است و آن این‌که با گذشت بیش از چهارصد سال از تأسیس مکتب اخباری و رسوخ آشکار و پنهان آرای ایشان در حوزه‌های حدیث، اخلاق، تاریخ، تفسیر و...؛ تألیفات شایسته‌ای در خصوص نقد عمیق و گسترده اندیشه‌های ایشان و ترکیب باورهای صحیح آنان با افکار اصولیان نگارش نشده است. هر چند در حوزه فقه و پژوهش‌های فقهی با ظهور تألیفاتی هم‌چون ریاض المسائل، جواهر الکلام، کشف الغطاء، مفتاح الکرامه، جامع احادیث شیعه این نقیصه مرتفع شده است (فائز، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

۲- عدم تفکیک بین دیدگاه‌های مشهور بزرگ‌ترین عالمان اخباری با دیدگاه‌های حداقلی و رویکردهای افراطی و تفریطی برخی از آنان.

۳- غالب کتب و مقالات نگارش یافته در خصوص تبیین آرای اخباریان به حوزه فقه اختصاص یافته است.

۴- عدم تفکیک علمی و روشمند بین آرای اخباریان در حوزه فقه با حوزه تفسیر. دغدغه اصلی اخباریان و اصولیان تفسیر متون مقدس نبوده، بلکه رشته پر دامنه‌تر حقوق و حیطه کاری آن یعنی فقه می‌باشد (لوسن، ۱۳۸۹: ۲). به طوری که غالباً با نگرشی عام و کلی به بازخورد اندیشه‌های آنان در حوزه تفسیر نگریسته شده است و چه بسا نگرش‌های فقهی و تفسیری آنان با یکدیگر خلط شده و منشأ لغزش‌های علمی گردیده است. به طوری که تشریح آرای اخباریان در حوزه علوم نقلی-تحلیلی مانند تفسیر، محتاج بازتحلیل است (آرمیون، ۱۳۹۱: ۶).

۵- مقالات محدودی هم‌چون: پیامدهای اندیشه‌های اخباریان بر حوزه پژوهش‌های قرآن رأی اخباریان و اصولیان در تفسیر قرآن نظریه استقلال قرآن، مصاف علامه طباطبایی با اخباریان؛ رویکرد اخباریان شیعه به تفسیر و... که به قلمرو بازخورد آرای اخباریان در حوزه قرآن اختصاص یافته، غالباً به طور



اجمالی و مبهم و با عناوین عامی هم‌چون پژوهش‌های قرآن یا تفسیر قرآن تألیف شده و عمدتاً مربوط به مبانی و منابع تفسیر از منظر اخباریان است؛ و تا کنون پژوهش عمیق و روشمندی در خصوص کنش‌های آرای قرآنی اخباریان بر حوزه قواعد تفسیر به ویژه شش قاعده تفسیری: ضرورت استناد تفسیر به علم و علم، کاربست اصول عقلایی زبان‌شناختی، قاعده سیاق، قاعده جری، ضرورت استناد توأمان به تفسیر ظاهری و باطنی قرآن، از منظر قرآن‌پژوهان اصولی شیعه نگارش نیافته است. به طوری که همین امر، نوآورانه بودن مسأله پژوهش حاضر را به خود اختصاص داده است.

۲- اندیشه‌های قرآنی اخباریان در قلمرو مبانی تفسیر قرآن

اساسی‌ترین آرای قرآنی اخباریان که به عنوان پیش‌فرض‌ها و مبانی تفکرات آنان، بر شش قاعده تفسیر فوق‌الذکر تأثیرگذار است و از این رو به عنوان مقدمه بررسی دیدگاه اخباریان تلقی می‌شود، به شرح ذیل تقریر می‌گردد:

۱- اخباریان با نگرشی مختص به خودشان، دغدغه حفظ خلوص دین و صیانت از ورود مفاهیم غیر دینی به قلمرو دین خالص را داشته‌اند. آنان دین خالص را، دینی با مشخصات عصر ائمه علیهم‌السلام می‌دانند. این دغدغه آنان از حوزه فقه به سایر حوزه‌های دین هم‌چون تفسیر و پژوهش‌های قرآن تسری یافت (فائز، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

۲- انحصار منبع تفسیر در قرآن و حدیث؛ منابع و مستندات تفسیر، مصادر و ابزارهایی هستند که معانی، آموزه‌ها و مقاصد آیات را روشن می‌سازند و مفسران برای فهم آیات از آن‌ها بهره می‌گیرند. مفسران اصولی عقل‌گرا، منابع معتبر تفسیر را عبارت از قرآن، سنت معتبر، عقل، علوم تجربی قطعی، اجماع و شهود عرفانی دانسته‌اند؛ اما اخباریان منابع دین چه در حوزه فقه و چه تفسیر را منحصر در دو منبع قرآن و حدیث می‌دانند و برخی اخباریان افراطی مانند صدرالدین قمی همدانی، سید میرزا جزایری، صاحب «جواهر الکلم» «و...» با عدم پذیرش ظواهر و حتی نصوص قرآن، تنها حدیث را به عنوان منبع واقعی می‌پذیرند (ر.ک: کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۵۱). از سوی دیگر، اخباریان همه روایات کتب اربعه (کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و استبصار) و حتی همه میراث حدیثی شیعه را قابل اعتماد می‌دانند (ر.ک: لوسن، ۱۳۹۸: ۳؛ کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۵۱).

۳- احتیاط اخباریان تندرو در حوزه تفسیر، غیر روشمند و روان‌شناسانه است و سرانجام به توقف و سکوت در حوزه تفسیر قرآن؛ تأکید در خلوص دین و عدم توجه به توانمندی آن در اداره جامعه؛

مسئولیت‌ناپذیری در قبال هدایت قرآن؛ جمود بر متون مقدس، عقل‌گریزی، پذیرش غیر روشمند و بی‌چون و چرای روایات ضعیف؛ ورود اسرائیلیات به حوزه تفسیر؛ عاری ساختن منابع فقهی و اصولی شیعه از دانش اصول فقه مقارن شیعه و اهل سنت؛ اجتناب از مظاهر مختلف سیاست و حکومت؛ دین‌سوزی و خرده‌گیری دشمنان منجر می‌شود. در حالی که احتیاط‌اصولیان در حوزه تفسیر، روشمند و معرفت‌شناسانه است و در راستای اجتناب از پیش‌فرض‌های ظنی، تحمیل آرای شخصی، قیاس ظنی، استبداد به رأی و تفسیر به رأی تعریف می‌شود و در نهایت به مسئولیت‌پذیری در دین، تأمین هدایت مستمر قرآن در بستر تاریخ و اجتناب از افراط و تفریط دینی منتهی می‌شود (ر.ک: لوسن، ۱۳۸۹، ص ۳/عابدی شاهرودی، ۱۳۶۹، ص ۱۵/بهبشتی، ۱۸۱: ۱۳۹۰/۱۸۴/اموسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۷؛ کرباسی‌زاده اصفهانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

۵- اخباریان علی‌رغم محدودیت منابع نقلی دین در پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و سیال بشری، فلسفه، عقل، استدلال، اصول عقلیه، استحسانات و قیاس را بستر خطاها و تنازعات علمی دانسته و لذا عمدتاً آن را در دست‌یابی به معرفت دینی و از جمله تفسیر و پژوهش‌های قرآنی، عقیم و غیر معتبر می‌دانند (فائز، ۱۳۹۳: ۱۶۵؛ صدر، ۱۳۷۵: ۴۲).

۶- اخباریان به دلیل تقسیم محکمت‌ها به نصوص «صریح الدلاله» و «متشابهات شمردن عموم ظواهر قرآن، کمترین آیات قرآن را مربوط به قلمرو محکمت‌ها و بیشترین آیات قرآن را متشابه دانستند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۸۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۸۶). استدلالی که اخباریان در این حوزه مطرح می‌کنند آن است که در مورد قرآن نمی‌توان به اصل ارتکازی عقلا و مورد پذیرش شارع مقدس که جواز عمل به ظواهر کلام است، پایبند بود زیرا در احکام نظری شرعی به دلیل احتمال وجود تقیید و تخصیص، نمی‌توان به ظواهر قرآن استدلال نمود؛ این دیدگاه به محمد امین استرآبادی، سید حسین کرکی، شیخ حر عاملی، محمد تقی مجلسی و... مستند است.

مفسران اصولی پاسخ می‌دهند: اولاً، دلیل اخباریان اخصّ از مدّعی‌شان است، زیرا دلیل آنان بر فرض صحت، صرفاً شامل آیات الاحکام می‌شود نه غیر آن. ثانیاً، ادعای اجمال و ابهام ظواهر آیات الاحکام در صورتی صادق است که مفسّر از منابع و قراین فهم آیات، به طور کافی جستجو و فصیح نکرده باشد. ثالثاً، لازمه سخن اخباریان آن است که ما به ظواهر احادیث نیز نتوانیم عمل کنیم، زیرا احادیث نیز مانند قرآن مشتمل بر عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه است، در حالی که اخباریان به ظواهر احادیث ائمه علیهم‌السلام عمل می‌کنند. رابعاً، متشابه دانستن ظواهر قرآن، اگر به معنای «تشابه حقیقی» باشد، با فرض هدایت‌گری قرآن، توصیه به تدبّر و اندیشه در آن، مرجعیت قرآن نسبت



به روایات و ... سازگار نیست؛ و اگر به معنای «تشابه نسبی و اضافی» باشد، به طوری که استنباط احکام نظری شرعی از ظواهر قرآن، منوط به ارجاع به روایات معصومان علیهم السلام باشد، با مشکلی مواجه نخواهد بود (اسعدی، ۱۳۹۰: ۸۱-۷۹)

لازم به یادآوری است اخباریان تندرو، تمام آیات قرآن را مجمل و متشابه می‌دانند و حتی اجازه نمی‌دهند بدون روایات الفاظی از قرآن تفسیر شوند (کاشف الغطاء، بی تا: ۱۸). در حالی که برخی از اخباریان معتدل مانند ملامحسن فیض کاشانی، نه تنها ظواهر قرآن را در احکام نظری و غیر آن حجت می‌دانند، بلکه معتقدند مؤلفان کمال یافته نیز به برکت متابعت از معصومان علیهم السلام، ممکن است بعضی از تشابهات قرآن را تأویل کنند؛ هرچند علم به تمام تشابهات، مخصوص ائمه علیهم السلام است (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۳۸).

۷- در سبک تفسیری اخباریان و اصولیان تفاوت‌هایی به شرح ذیل مشهود است:

الف - اخباریان در تفاسیرشان، اهمیتی به سبک‌شناسی، نکات صرفی و نحوی نمی‌دهند؛ بنابراین مسایل واژگانی همراه با شواهد ادبی، غالباً در تفاسیرشان مشاهده نمی‌شود. در حالی که در آثار کلاسیک شیعه در تفسیر مانند مجمع البیان طبرسی و تبیان طوسی از مسایل صرفی و نحوی بحث می‌شود و از مشاجرات مهم پرهیز می‌شود.

ب - اخباریان در تفاسیرشان از منقولات صحابه و تابعان و احادیث صحاح و مسانید اهل سنت اجتناب می‌ورزند. در حالی که در تفاسیر اصولیان شیعه، حجم زیادی از مطالب، از منابع سنی و راویانی نظیر مجاهد، قتاده، احمد بن حنبل، ابن مسعود و عایشه نقل می‌شود.

ج - تفاسیر اخباریان همگی به تصریح یا به تلویح بر مرجعیت مطلق امامان علیهم السلام تأکید دارد و آشکارا ماهیتی ضد سنی دارد (لوسن، ۱۳۸۹: ۴ و ۵)

۸- اخباریان، علم رجال و درایه را غیر ضروری و کم‌فایده می‌دانند. علم رجال، دانشی است که درباره احوال راویان حدیث، از جهت اتصاف آن‌ها به شرایطی که در جواز یا عدم جواز گفتار آن‌ها (مانند راست‌گویی، عدالت و فسق) مداخلیت دارد، گفتگو می‌کند (سبحانی، ۱۴۰۸: ۱۱)، هم‌چنین علم درایه نیز علمی است که از کیفیت نقل حدیث توسط راویان، به لحاظ اتصال و انقطاع زنجیره ناقلان حدیث و یا داشتن سند یا ارسال سند و مانند آن سخن می‌گوید (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳). دیدگاه مشهور اخباریان در مورد روایات کتب اربعه و سایر کتب مشهور، مانند کتاب‌های شیخ صدوق و غیر او از بزرگان شیعه آن است که چون از اصول چهارصدگانه اصحاب ائمه علیهم السلام اخذ شده‌اند، لذا متواتر یا

محفوف به قراین‌اند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۶۵ و ۱۷۶؛ کرکی عاملی، ۱۳۹۶: ۸۷؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۲)؛ لذا علم به صحت مضامین و قطعیت الصدور بودن‌شان دارند. محمد امین استرآبادی قرآینی را بر می‌شمارد که به عقیده وی موجب قطع و یقین به صدور احادیث از اهل بیت علیهم‌السلام گردیده و ما را از پرداختن به سند حدیث و مباحث رجال بی‌نیاز می‌کند. برخی از این قرینه‌ها عبارت‌اند از: تقویت احادیث توسط احادیث دیگر؛ استناد و استدلال عالمان ثقه و با تقوا به این احادیث. از منظر وی، وجود این قرینه‌ها، احتمال هرگونه افتراء، دروغ و جعل حدیث را از طرف راوی منتفی نموده و صدور آن را از معصوم علیهم‌السلام نیز به اثبات می‌رساند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۳). از این‌رو علم رجال و علم درایه از نظر اخباریان ضرورتی ندارد و فواید زیادی بر آن مترتب نیست و ذکر اسناد چنین روایاتی، از باب تبرک و تیمن و تأسی به سیره سلف که اسناد روایات را سلسله‌وار معنعن به اهل عصمت علیهم‌السلام ذکر می‌نمودند، می‌دانند. از منظر ایشان ذکر سند روایات شیعه به جهت فوایدی مانند:

الف - استفاده از مرجحات احوال رجال در مقام تعارض اخبار

ب - کاربرد سند روایات و احوال رجال حدیث، به عنوان قرینه‌ای بر ثبوت حدیث می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۰ / ۱۱۲؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۴) اما اصولیان مجتهد:

اولا تمام روایات کتب اربعه و منابع حدیثی مشهور شیعه را قطعی‌الصدور ندانسته و وجود روایات غیر صحیح و جعلی در میان آن‌ها را حتمی می‌دانند. از این‌رو ست که شیخ طوسی در خصوص روایاتی که در «کافی» کلینی «و من لایحضره الفقیه» صدوق، مناقشه می‌کند (خوبی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۸) و شیخ صدوق در مواردی، روایات کافی را رد می‌کند و یا خود، احادیثی را نقل می‌کند ولی نه به آن‌ها فتوا می‌دهد و نه به صحت آن‌ها حکم می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۶۲؛ ۲ / ۷۵).

ثانیا، تأیید صحت روایات به دلیل ثقه بودن راوی که در بیان اخباریان مشاهده می‌شود، نه از بدیهیات عقلی، و نه از مسلمات دین است، بلکه برخاسته از کتب رجالی است که وثاقت راوی را اثبات می‌کند، پس چگونه اخباریان بر آنان‌اند که احتیاجی به علم رجال و احوال روات نداریم (بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۰۶).

۹- اخباریان احادیث شیعه را به پشتوانه استناد به قدمای اصحاب، به دو قسم صحیح و ضعیف تقسیم می‌کنند، ولی اصولیان و مجتهدان آن را به اقسام چهارگانه صحیح، حسن، موثق و ضعیف بخش‌پذیر می‌دانند (مکی عاملی، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۸). اخباریان به روش قدما، اعتمادشان فقط به سند حدیث نیست، بلکه به قرآینی که خبر ضعیف‌السند را به قوی‌السند ملحق کند، نیز اعتماد می‌کنند و چه بسا بر خبر قوی رجحان داده و در عمل خبر قوی‌السند را طرح می‌کنند (کرکی عاملی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).



اخباریان می‌گویند مراد از خبر صحیح نزد قدمای اصحاب، روایتی است که دانسته شده از معصوم علیه السلام صادر شده است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱/ ۱۰۱)؛ هم‌چنین روایت ضعیف در مقابل روایات صحیح را به روش قدما به سه معنا می‌دانند:

الف - روایتی که به واسطه قراین به صدور آن از معصوم علیه السلام قطع نداریم؛
ب - خبری که قطع بر صدور آن از معصوم علیه السلام داریم ولی در مقام عمل، معارض قوی‌تر از آن وجود داشته باشد، مثل وجود روایات دیگری که به دست خط معصوم علیه السلام باشد.

ج - روایتی که به دلیل مخالفت با امر ضروری، قطع پیدا کنیم که آن روایت حکم الله نیست، هرچند از معصوم علیه السلام صادر شده باشد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۷۷)؛ بنابراین هر حدیثی که قطع به صدور آن از معصوم نداریم، ضعیف‌السند است، هرچند تمام سلسله سند آن امامی عادل باشد (بحرانی، ۱۴۲۳: ۳ / ۲۹۶؛ استرآبادی، ۱۳۶۳ / ۱۷۷). آنان هم‌چنین دسته‌بندی حدیث به خبر متواتر و به خبر واحد و تقسیم خبر واحد به صحیح، حسن، موثق و ضعیف را از اختراعات احمد بن موسی بن طاووس (م. ۶۷۳ ق) یا شاگردش علامه حلی و متأثر از اندیشه‌های اهل سنت و الفت ذهن علامه حلی به کتب عالمان سنی می‌دانند (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۸۸ / بهشتی، ۱۳۹۰: صص ۵۰۶، ۵۰۸ و ۵۱۶).

اصولیان و مجتهدان با رد انتساب تقسیمات چهارگانه حدیث به ابن طاووس و علامه حلی، آن را برخاسته از کتب رجالی قدمای شیعه می‌دانند. آنان به خبری صحیح می‌گویند که تمام سلسله راویان آن، امامی عادل باشد (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۲۱). وحید بهبهانی در این زمینه می‌نویسد: روایت صحیح نزد قدما به معنای قطعی‌الصدور نیست، به طوری که شیخ طوسی و امثال او به اخبار آحاد، به عنوان خبر صحیح، عمل می‌کردند (بهبهانی، ۱۴۱۶ق: ۱۷۰). از سویی از کلام شیخ صدوق نیز مشاهده می‌شود که چه بسا، قطع به صدور روایتی نداشتند و با این حال الفقیه «به مضمون آن روایت که آن را خبر صحیح می‌دانسته، فتوا داده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳: ۱ / ۳ و ۱۶۲).

۳- تأثیر اندیشه‌های اخباریان بر قواعد تفسیر

اینک پس از تشریح پیش‌فرض‌ها و مبانی قرآنی اخباریان، برآنیم تا کنش‌های اندیشه‌های قرآنی ایشان را بر قواعد تفسیر از منظر مفسران اصولی و عقل‌گرای شیعه تشریح نماییم.

۳-۱ استناد تفسیر به علم و علمی از منظر اخباریان

تفسیر قرآن عبارت است از کشف معانی و مقاصد آیات در غالب بیان تشریح مفاد استعمالی و مراد جدی آیات، بر اساس استناد به دلایل و قراین معتبر و مستند که از منظر شارح مقدس از حجیت برخوردار باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۸).

قرآن پژوهان اصولی، ضمن عدم پذیرش ظن در تفسیر، اعتبار ظنون خاص مانند ظواهر قرآن، خبر واحد ثقه و دیدگاه‌های متخصصان را می‌پذیرند.

دیدگاه اخباریان در این زمینه به شرح ذیل است:

۱- حجیت احکام اصول و فروع دین باید در دو مرحله سنجیده شود: مرحله اول، التزام به علم و یقین و مرحله دوم، این‌که اخباریان تاثیر علم و یقین را تنها هنگامی معتبر می‌شمرند که از راه ائمه علیهم‌السلام به دست آید (انصاری، ۱۴۱۹: ۱/ ۳۱)، چه اخبار متواتر و چه اخبار آحادی که همراه با قراین حالی و مقالی باشد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۲۸، ۴۸، ۱۰۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰۶).

۲- برخی از نتایج اندیشه اخباریان در اعتقاد به لزوم کسب یقین از طریق اهل بیت علیهم‌السلام عبارت است از:

الف - اعتماد به ظن و استنباط‌های ظنی جایز نیست، اگرچه ظن خاص باشد چه در اصول دین و چه در فروع دین. آنان ظن در برخی از آیات را به صراحت درباره فروع دین و احکام شرعی می‌دانند (مانند آیه ۱۱۴ انعام و ۵۹ یونس) و در برخی دیگر از آیات، درباره دو موضوع اعتقادی و احکام شرعی فرعی دانسته‌اند (مانند آیه ۱۴۸ سوره انعام).

ب - در مواردی که ظن داریم (نه علم)، باید به احتیاط عمل کنیم (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۳۱، ۹۰ / حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۲۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۹).

ج - اجتهاد در فقه، تفسیر و... پیروی از ظن بوده و در حالی که روایات قطعی الصدور داریم که در نبود دلیل قطعی، احتیاط واجب است، اعتماد به ظن و پیروی از اجتهاد ظنی مجاز نیست (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰۶؛ بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۸۵).

۳-۱-۱-۱-۳ بررسی تطبیقی دیدگاه اخباریان و اصولیان

۱- در احکام دین (اعم از فقهی، تفسیری و...) تحصیل علم و یقین لازم است و ظن اعتبار ندارد، هرچند ظن خاص باشد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۹۰ و ۱۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۹)، ولی مجتهدان در مواردی که تحصیل علم مقدور باشد آن را لازم دانسته و در مواردی که تحصیل آن ممکن نباشد - به دلیل تجویز



شارع مقدس - ظن خاص (و نه مطلق ظنون) را معتبر و قابل عمل می‌دانند (بهبهانی، ۱۴۱۶: ۸/۶؛ بهبهانی، ۱۴۱۵: ۱۱۸/انصاری، ۱۴۱۹: ۱۳۴/۱)؛ بنابراین اصولیان نیز مانند اخباریان، عمل به ظن را حرام دانسته و اصل اولی آن‌ها حرمت عمل به ظن است (نراقی، ۱۴۱۷: ۳۵۶-۳۵۸) آنان عمل به ظن مطلق را جایز نمی‌دانند، ولی معتقدند:

الف - آیات و روایاتی که به طور مطلق نهی از عمل به ظن می‌کنند، به ظنون خاصه تخصیص می‌خورد، لذا آنان حجیت را منحصر در علم نمی‌دانند، بلکه مفاد ظنی (علم عادی و اطمینان‌بخش) را نیز حجیت می‌دانند.

ب - در مواردی که اصولیان ظن را حجیت می‌دانند، به خاطر خود ظن نیست، بلکه به خاطر آن است که دلیل قطعی و برهان علمی بر حجیت و علم محسوب شدن در آن موارد داریم، مانند اجتهاد، ظواهر آیات، خبر واحد، اصول عملیه، لذا مشمول ادله نهی از عمل به ظن نمی‌شود (سبحانی، ۱۴۲۵: ۱۳؛ رازی نجفی، ۱۴۳۰: ۳ / ۶۹۱).

ج - باب علم در زمان غیبت مسدود است، زیرا دلالت قرآن غالباً ظنی است؛ دلالت خبر واحد از نظر متن ظنی است؛ هم‌چنین بسیاری از روایات تعارض دارند و علاج آن با اخبار علاجیه نیز مفید ظن است؛ از سویی تغییر و تحریف عبارات روایات نیز محتمل است و لذا اصل عدم تغییر و تصحیف نیز اصلی ظنی است. از این رو، باب ظن خاص (علم عادی و اطمینان‌عقلایی) که دلیل بر حجیت آن داریم، مفتوح است (وحید بهبهانی، ۱۴۱۶: ۶. افزون بر آن برهان قطعی و دلیل علمی بر حجیت اجتهاد، ظواهر قرآن، خبر واحد، اصول عملیه و ... داریم. در نتیجه چه به وسیله آن‌ها علم به حکم فقهی و غیر فقهی پیدا کنیم و چه به ظن معتبر برسیم، حجیت دارد و مشمول آیات و روایات ناهی از ظن نمی‌شود (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۰۶/۱). شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد: کسی که به خبر واحد عمل می‌کند عمل به غیر علم نکرده، چرا که دلیل دلالت بر وجوب عمل به آن دارد (وحید بهبهانی، ۱۴۱۶: ۲۴۴).

د - اصولیان نصوص قرآن، معرفت‌های بدیهی عقلی، برهان‌های تام عقلی و دستاوردهای یقینی علوم تجربی (اعم از طبیعی و انسانی) روایات متواتر و خبر واحد محفوظ به قراین را مصداق علم دانسته و استناد تفسیر به آن‌ها را مجاز می‌دانند، ولی به دلایل گفته شده استناد به ظنون معتبر مانند: ظواهر قرآن، خبر واحد ثقة یا معتبر (عاری از قراین یقینی باشد)، آرای صحابه، تابعان، واژه‌شناسان، ادیبان، مورخان و ... را مصداق علمی و اطمینان‌بخش دانسته و استناد به آن را نیز مجاز می‌دانند.

مراد اخباریان از قطعیت حکم شرعی (و آموزه‌های) برخاسته از اخبار، قطعیت حجیت اخبار است، نه باور به آن که همه احادیث ما را به حکم واقعی می‌رسانند. چنان‌که اصولیان نیز به حجیت دلیل ظنی، به

عنوان علم عادی، قطع دارند؛ بنابراین در این جا قطع به حجیت حکم و قطع به خود حکم و دلیل آن خلط شده است و حرف اخباری و اصولی یک چیز است.

چنانچه محدث بحرانی تحلیل نموده است، نزاع بین اخباریان و اصولیان در این زمینه، نزاعی کاملاً لفظی است و فرقی بین دیدگاه دو گروه وجود ندارد؛ زیرا اولاً، منظور اخباریان از معلومیت و قطعیت حکم، به اعتبار معلومیت دلیل است که از ائمه علیهم السلام رسیده، هرچند حصول حکم، به طریق ظن غالب بوده باشد؛ ولی مراد اصولیان از ظن، ظن به خود حکم است، نه مناط حکم. ثانیاً مراد اخباریان از علم، اعم است از علمی که مطابق واقع باشد و علم عادی و اطمینان که احتمال خلاف در آن می‌رود؛ ولی مراد مجتهدان از علم، آن علمی است که مطابق واقع باشد و احتمال خلاف در آن نرود (بحرانی، ۱۴۲۳: ۱ / ۳۲۲-۳۲۰).

۲- اخباریان، ظن برخاسته از عقل ناقص مانند: رأی، هوای نفس، قیاس و استحسان و امثال آن را که ظن برخاسته از خارج کتاب و سنت است، نامعتبر می‌دانند در حالیکه آنان ظنی که اصولیان با اجتهاد به آن می‌رسند، اگر برخاسته از عقل نباشد (ظن برخاسته از کتاب و سنت) را معتبر می‌دانند. در این زمینه نیز اصولیان با اخباریان هم عقیده‌اند هرچند دیدگاه این دو گروه در خصوص ظن برخاسته از استدلال عقلی محض (که بدون استناد به کتاب و سنت باشد) از یکدیگر قابل تفکیک است.

۳- اخباریان در همه شبهات موضوعی و شبهات حکمی و جوبی، عمل به ظن می‌کنند و اصل برائت را می‌پذیرند و قایل به توقف و احتیاط نیستند. سید نعمت‌الله جزایری که خود از اخباریان است می‌گوید: ما نسبت به احکامی که به ما نرسیده، مکلف نیستیم و به اصل عدم تکلیف عمل می‌کنیم (جزایری، ۱۴۰۱: ۵۹). ولی اصولیان فرقی بین شبهه در حکم، طریق حکم و موضوع حکم و تعارض دو نص قایل نیستند و در همه این موارد عمل به ظن را مجاز و اصل برائت را جاری می‌کنند (ر.ک. بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۹۴).

۴- بر اساس دیدگاه مشهور اخباریان، استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن چه در اصول و چه در فروع دین، ظنی است فلذا حجیت ندارد؛ چنانچه روایات پیامبر صلی الله علیه و آله که از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما نرسیده باشد نیز غیر معتبر است. در حالی که اصولیان و مفسران مجتهد، استنباط آموزه‌های دینی، چه فقهی و چه غیر فقهی؛ چه در احکام نظری و چه غیر نظری مانند اصول دین، برخاسته از نصوص و ظواهر قرآن را در غالب «علم» و «اطمینان عقلایی» (علم عادی)، مجاز و حجت می‌دانند. آنان می‌گویند: اخباریان با آن که ظواهر قرآن را حجت نمی‌دانند، چگونه از ظواهر آیاتی هم‌چون آیه ۸۰ سوره بقره



﴿تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ و آیه ۳۶ سوره یونس ﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾ استناد می‌کنند و لزوم اجتناب از عمل به ظن را نتیجه می‌گیرند. اصولیان مراد از آیات فوق را ضرورت استناد به یقین و اجتناب از ظن در اصول دین می‌دانند و معتقدند در هنگام غیبت امام عصر علیه السلام ناچاریم در فروع دین به ظن عمل کنیم (زین الدین عاملی، ۱۳۶۵: ۱۹۵).

۵- اخباریان بر آنند علم و یقین در احکام دینی (اعم از فقهی، تفسیری و...) صرفاً باید از طریق روایات اهل بیت علیهم السلام حاصل شود، به طوری که تحصیل یقین و علم از طریق مقدمات عقلیه (احکام نظری عقلی) حاصل نمی‌شود و چنانچه تحصیل شود، حجیت ندارد (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۲۸ و ۱۰۶؛ قدسی، ۱۴۱۶: ۲۶۹/۲؛ صدر، ۱۳۷۵: ۹/۲)؛ ولی اصولیان انحصار تحصیل علم و یقین از طریق نقل (و روایات ائمه علیهم السلام) را نمی‌پذیرند و حجیت قطع و علم را ذاتی می‌دانند. به طوری که احتیاج به جعل جاعل ندارد، بلکه قابل جعل از جهت نفی و اثبات نیست و از هر راهی به دست آید، خواه از طریق آیات و روایات و خواه از طریق مقدمات عقلی و... در احکام دین اعتبار دارد (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲۱۰/۱؛ محقق حلی، ۱۳۶۴: ۲۸/۱؛ میرزای قمی، ۱۳۱۵: ۲/۲ و ۵). اصولیان می‌گویند: با وجود روایانی هم چون «مغیره ابن سعید و» ابوالخطاب «که احادیث جعلی و کاذب را بر ائمه علیهم السلام افترا بسته‌اند، چگونه می‌توان سخن اخباریان را که قایل به کسب علم و یقین به حکم الله از طریق احادیث ائمه علیهم السلام اند (کلینی، ۱۳۶۳: ۶۵/۱)، پذیرفت (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵: ۱۲۲). آنان می‌افزایند: بسیاری از آیات و روایات، به دلیل اختلاف در فهم عالمان، معرکه آرا و انظار قرار می‌گیرند، حتی گاهی فهم عالمی، ضد فهم دیگری است؛ بنابراین تحصیل قطع و یقین در تمام آیات و روایات ممکن نیست (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵: ۱۱۸؛ همان، ۱۴۱۶: ۳۲ و ۲۰).

۲-۳ کاربرد اصول عقلایی محاوره‌ای و قواعد ادبی در تفسیر قرآن

مفسران اصولی شیعه به دلیل آن‌که قرآن کریم را از سنخ کلام می‌دانند، لذا همانند سایر کلام‌های بشری، قرآن را کاشف مراد خویش دانسته‌اند. به طوری که هرگز آن را در دلالت خود معماگونه و گنگ نمی‌دانند. چنانچه آنان، لازمه فصاحت متن قرآن را، عاری بودن از پیچیدگی و قابل فهم بودن آن برای همگان می‌دانند، چه برسد به این‌که قرآن، فصیح‌ترین سخن است و به طریق اولی دارای این ویژگی می‌باشد. مفاد این اندیشه اصولیان، پذیرش اصول عقلایی در کلام الهی، مانند همه کلام‌های بشری است (انصاری، ۱۴۱۹: ۱/۱۶۹؛ جناتی، ۱۳۷۲: ۳۶۶).

در حالی که اخباریان در معتدل‌ترین مشرب خویش، ضمن پذیرش قواعد درک ظاهر در فهم لغوی و عرفی کلمات، حداقل قاعده فوق را در درک مراد و مقاصد خطابات قرآن انکار کرده‌اند (ر.ک: انصاری،

۱۴۱۹: ۱/۱۶۴)؛ چنان‌که غالب آنان، آیات قرآن و احادیث نبوی را از قبیل محاورات عرفی نمی‌دانند تا مقصود گوینده از آن، تفهیم عموم مردم باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۷۶/۱)، بلکه تمام آیات قرآن را مجمل و متشابه می‌دانند، از این‌رو، مشهور اخباریان در حوزه استنباط احکام نظری مستفاد از ظواهر قرآن (چه در فقه و چه در تفسیر قرآن و...) تعلقی به قواعد درک ظاهر ندارند (کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۸؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۲۰۳؛ استرآبادی، ۱۳۶۳: ۲۶۸-۲۷۰) لازم به یادآوری است:

۱- پذیرش حاکمیت قواعد زبان‌شناختی و اصول عقلایی محاوره‌ای در کلام الهی، منجر به پذیرش قاعده تفسیری «پیوستگی مفهومی بخش‌های مختلف متن قرآن» می‌شود که به نوبه خود پذیرش قواعد تفسیری فرعی دیگر هم‌چون روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر موضوعی، ارجاع متشابهات به محکّمات و پیوستگی موضوعی مفاد سوره‌ها را در پی دارد.

۲- لازمه انکار قاعده فوق، انکار دو قاعده تفسیری: «ضرورت به کارگیری قراین معینه، صارفه، پیوسته لفظی و غیر پیوسته و ناپیوسته در تفسیر و قاعده ضرورت به کارگیری همه دلالت‌های آشکار و پنهان کلام در تفسیر خواهد بود.

۳-۳- پیوستگی مفهومی بخش‌های مختلف متن قرآن، از منظر اخباریان

یکی از قواعد زبان‌شناختی که از آن به پیوستگی مفهومی بخش‌های مختلف متن قرآن، از منظر اخباریان «تعبیر می‌شود برای فهم و تفسیر قرآن ضروری است، به طوری که عدم توجه به آن موجب لغزش‌های تفسیری می‌شود (خمینی، بی‌تا: ۵۴۷).

مدار صحت و حقانیت قاعده تفسیری فوق، اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن و استقلال و استغنای قرآن از غیر خود، در بیان معانی، مفاهیم و مدالیل آیات است؛ بنابراین مساله حجیت ظواهر قرآن به عنوان مبنا و زیر ساخت قاعده تفسیری فوق است و دیدگاه مشهور اخباریان مبنی بر آن است که: «نصوص قرآن، حجیت مستقل دارند ولی استنباط احکام نظری - یعنی آنچه گویای حکمی عملی است ولی از ضروریات دین نیست و باید از طریق نظر و استقلال به دست آید، چه در حوزه اصول دین و چه فروع آن (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۹۰؛ کرکی عاملی، ۱۳۹۶: ۱۵۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۸۶ و ۱۹۵) از ظواهر قرآن که بسیاری از آیات قرآن را شامل می‌شوند، در سطح فهم توده مردم نبوده و دور از فهم آنان است، لذا درک محتوای آن صرفاً از طریق بیان و یا عمل اهل بیت علیهم‌السلام میسر است. آنان تفسیر ظواهر قرآن در حوزه احکام نظری را فقط در صورتی مجاز می‌دانند که به وسیله روایات اهل بیت علیهم‌السلام تایید شوند



(استرآبادی، ۱۳۶۳: ۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۴۸). پذیرش قاعده فوق، ضرورت روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر موضوعی، قاعده ارجاع متشابهات به محکمت و پیوستگی موضوعی مفاد سوره‌ها را نیز در پی خواهد داشت.

اصولیان، قرآن را یکی از منابع دین می‌دانند که ظواهر آن، چه در احکام نظری و چه غیر نظری، حجیت دارد. به طوری که می‌توان به آن‌چه از هر آیه‌ای استفاده می‌شود، چه از نصوص باشد و چه از ظواهر قرآن، عمل کرد، هر چند آن مضمون در نصوص و اثری از معصومان علیهم‌السلام وارد نشده باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۶؛ ۱۳۹: جزایری، ۱۴۰۱: ۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۴۹). بنابراین آنان قرآن را در تبیین، توضیح، تفسیر و در نهایت تفهیم مبانی، اصول و کلیاتی که برای سعادت بشر لازم و ضروری است، کافی و بی‌نیاز از غیر می‌دانند، به این معنی که هر کس به لغت عرب آشنا باشد، به میزان تدبر و ژرف اندیشی که در قرآن داشته باشد، می‌توان به معارف و مفاهیم جدید و بطون قرآن دست یابد. هر چند برای فهم کامل تفاسیر، جزئیات و بواطن کلام الهی چاره‌ای جز رجوع به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌باشد. لذا علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد: البته آن‌چه که گفته شد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام عهده دار بیان قوانین و تفصیلات احکام شریعت که از ظواهر قرآن مجید به دست می‌آید، بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۹/۱۸؛ میری، ۱۳۷۹: ۱۳۰ و ۱۳۱).

مستفاد از بیان فوق آن است که اصولیان در حوزه تفسیر، به تقدم طولی، روش تفسیر قرآن به قرآن بر روش تفسیر قرآن به روایت باور دارند. در حالی که اخباریان معتدل به دلیل انکار حجیت ظواهر قرآن در استنباط احکام نظری (فقهی و تفسیری و...) اینکه طبعاً اعتقادی به استقلال قرآن در بیان مراد خویش در حوزه مطلق ظواهر قرآن ندارند؛ بنابراین منکر قاعده «پیوستگی مفهومی آیات در فهم مراد قرآن» حداقل در برخی موارد (استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن) هستند. چنان‌چه اخباریان تندرو که قایل به غیر قابل فهم بودن مطلق قرآن و عدم حجیت همه آیات (اعم از نصوص و ظواهر) اند، مطلقاً قاعده فوق الذکر را نمی‌پذیرند؛ بنابراین منکر قاعده تفسیری فوق و قواعد فرعی برخاسته از آن می‌باشند.

۴-۳- کاربرد قاعده سیاق در تفسیر از دیدگاه اخباریان

سیاق، فضای معنایی خاصی است که از قرار گرفتن کلمات و جملات در کنار یکدیگر حاصل می‌شود و بر معنای واژه‌ها و عبارات تاثیر می‌گذارد (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). قاعده سیاق، برخاسته از اصول محاوره ای و ارتکاز عقلا و اهل شرع و تنها قرینه پیوسته لفظی (و ظنی) برای فهم و تفسیر قرآن است. غالب مفسران اصول‌گرا به ویژه متأخران آنان، قایل به کاربرد قرینه سیاق در استنباط مفاد تفسیری اند؛ اخباریان تندرو چون قایل به غیر قابل فهم بودن قرآن و عدم حجیت همه آیات، اعم از نصوص و

ظواهر قرآن‌اند، اساساً منکر قاعده سیاق‌اند، چنان‌چه اخباریان معتدل به دلیل انکار حجیت ظواهر قرآن در استنباط احکام نظری (فقهی و غیر فقهی) طبعاً بنا بر مبنای‌شان حداقل در برخی از موارد (حوزه استنباط احکام نظری چه در اصول دین و فروع آن) قاعده فوق را نمی‌پذیرند.

۳-۵ کاربرد استنباط قاعده جری در تفسیر از دیدگاه اخباریان

«قاعده جری و تطبیق» یکی از قواعد تفسیری برخاسته از ارتکاز عقلا و اهل شرع است که در سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز تأیید شده است. از این‌رو از پشتوانه نقلی نیز برخوردار است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۱/۱ و ۴۳). مراد از قاعده فوق، انطباق ظاهر عام یا مطلق قرآن (اعم از واژگان و جملات) بر مصادیق جدید و عصری است که مشابه مصداق زمان نزول باشد.

قاعده جری با استمداد از قراین نقلی (آیات و روایات) از راه تقطیع سیاق و زمان آیه یعنی گسستن آیه از قید مکانی، جغرافیایی و زمانی و به مدد ادبیات عرب؛ و یا با کمک گرفتن از قراین غیر نقلی، یعنی قراین عقلی، عقلایی و محاوره‌ای صورت می‌گیرد (نفیسی، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷).

مفسران اصولی شیعه به ضرورت کاربرد استنباط قاعده جری، به ویژه در راستای حکمت نزول قرآن و ضرورت استمرار هدایت آن و تأمین جامعیت و جاودانگی آن باور دارند؛ لیکن اخباریان ضمن پذیرش هدایت مستمر قرآن و گستردگی اشمال قرآن بر همه علوم و همه مسایل نظری و عملی مورد نیاز بندگان خداوند، قرآن را شامل بر همه مسایل جزئی و کلی مورد نیاز انسان‌ها می‌دانند، آنان به استناد روایاتی در این زمینه می‌نویسند: به صرف دست نیافتن بشر به این موارد، نمی‌توان حکم به عدم وجود آن (در قرآن) نمود. تطبیق این مصادیق و علم به آن، بدون تردید نزد معصومان علیهم‌السلام است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۶/۱). این باور اخباریان در تضاد با جامعیت و جاودانگی قرآن است، لذا لازمه جاودانگی قرآن، محصور نشدن در قالب و شکل خاص و ارایه معارف و نیازها در شکل اصول و قواعد کلی و بیان جزئیات و برداشت‌های عصری، متناسب با شرایط و دگرگونی‌ها از راه تفسیر اجتهادی روشمند است. این در حالی است که اخباریان از سویی اعتقادی به اشمال بالفعل قرآن بر همه نیازهای نظری، عملی و کلی و جزئی دارند و از سویی دیگر، آنان با انکار حجیت ظواهر قرآن (مطلقاً و یا حداقل در غیر احکام نظری قرآن، اعم از اصول دین و فروع آن) که زیرساخت زبان‌شناختی قاعده جری محسوب می‌شود، اعمال قاعده جری از سوی مفسران غیر معصوم را نمی‌پذیرند (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۷۷ و ۱۷۸)، هرچند در عمل، مواردی از کاربرد استنباط قاعده جری از سوی اخباریان مشاهده شده است (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۳۲۱).



۳-۶- استناد توأمان به تفسیر ظاهری و باطنی قرآن از منظر اخباریان

اخباریان و صوفیان در مبارزه با عقل و استدلال و انکار حجیت آن، هم‌سو بوده‌اند، ولی متصوفه تأویل و اشراق را جایگزین کرده و اخباریان در پی نشانیدن نص و حدیث به جای آن بوده‌اند (خدایاری، ۱۳۸۵: ۲۷۲). نص‌گرایی اخباریان را می‌توان واکنشی به گرایش صوفیانه دانست. آنان به استناد روایات ائمه علیهم‌السلام، هم به تفسیر ظاهری و هم به تفسیر باطنی باور دارند، لیکن تفسیر باطنی را منحصر به آگاهی معصومان علیهم‌السلام می‌دانند. مفسر تفسیر «مرآة الانوار و مشکاة الاسرار» از ابوالحسن شریف عاملی اصفهانی که به مشرب اخباری تعلق دارد، در مقدمه آن اشاره می‌کند که: قرآن دارای وجوب باطنی است و آیات قرآن، پذیرای تأویل‌اند و معنای قرآن محدود به یک عصر نیست، بلکه برای همه زمان‌ها و همه اقوام است. وی پس از مطرح نمودن تناسب ظاهر قرآن با باطن آن و وجوب اعتقاد به محتوای ظاهری و باطنی قرآن، روایاتی مبنی بر این‌که معنای باطنی قرآن مربوط به امامان علیهم‌السلام و ولایت‌شان و پیروان‌شان است، ذکر می‌کند (عاملی اصفهانی، بی‌تا: ۱۲۹)؛ اما غالب قرآن‌پژوهان اصولی شیعه با اذعان به ردّ ظاهر‌گرایی در تفسیر قرآن، تفسیر باطنی را هرگز منحصر به آگاهی معصومان علیهم‌السلام ندانسته و امکان دست‌یابی روشمند به تفسیر باطنی را برای عالمان راسخ در علم غیر معصوم علیهم‌السلام نیز مقدور و مجاز می‌دانند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱/ ۴۹۳-۴۹۷). آنان مستند به روش اهل بیت علیهم‌السلام، به ضرورت توأمان بودن و تناسب تفسیر ظاهری و باطنی تاکید دارند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۷/۱).

نتیجه:

- ۱- اخباریان براین باورن در احکام دین (اعم از فقهی، تفسیری و...) تحصیل علم و یقین لازم است و ظن اعتبار ندارد، هرچند ظن خاص باشد. ولی مجتهدان در موارد مقدور، علم را لازم دانسته و در موارد غیر مقدور ظن را مجاز می‌دانند. در جمع‌بندی نهایی این تفاوت دو رویکرد، نزاعی لفظی دانسته شد.
- ۲- اخباریان همانند اصولیان، ظن برخاسته از هوای نفس، رأی، عقل ناقص، قیاس، استحسان و ظنونی که برخاسته از عقل نباشد را معتبر نمی؛ هرچند دیدگاه این دو گروه در ظنون برخاسته از عقل محض، از یکدیگر قابل تفکیک است.
- ۳- مشهور اخباریان، استنباط احکام نظری را از ظواهر قرآن (چه در اصول دین و چه فروع آن)، ظنی و حجت نمی‌دانند، ولی مفسران مجتهد استنباط آموزه‌های دینی، در احکام نظری و غیر آن، چه در غالب علم و چه علمی، مجاز و حجت می‌دانند.
- ۴- اخباریان تحصیل علم و یقین در احکام دینی را صرفاً از طریق روایات اهل بیت علیهم‌السلام مجاز می‌دانند؛ ولی اصولیان تحصیل یقین را چه از طریق نقل و چه عقل می‌پذیرند، زیرا حجیت قطع و علم را ذاتی و غیر محتاج به جعل جاعل می‌دانند.
- ۵- اخباریان تندرو به دلیل اعتقاد به غیر قابل فهم بودن مطلق قرآن و عدم حجیت همه آیات (اعم از نص و ظاهر) منکر قاعده تفسیری «ضرورت پیوستگی مفهومی بخش‌های مختلف متن قرآن» اند؛ چنان چه اخباریان معتدل نیز کارآیی این قاعده تفسیری را حداقل در مواردی انکار می‌کنند. در حالی که اصولیان مفسر پایبند به قاعده تفسیری فوق و قواعد فرعی آن مانند روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر موضوعی، ضرورت ارجاع متشابهات به محکمت و پیوستگی موضوعی مفاد سوره‌ها هستند.
- ۶- اخباریان تندرو به دلیل باورهای گذشته، اساساً منکر «قاعده سیاق» اند، چنان‌چه رگه‌های معتدل آنان به دلیل انکار حجیت ظواهر قرآن در استنباط احکام نظری، حداقل در برخی موارد قاعده سیاق را نمی‌پذیرند. در حالی که اصولیان مفسر، قاعده سیاق را به عنوان تنها قرینه پیوسته لفظی در فهم قرآن می‌پذیرند.



۷- اخباریان به دلیل انکار حجیت ظواهر قرآن (مطلقاً یا حداقل در غیر احکام نظری) که زیرساخت زبان شناختی «قاعده جری» است، اعمال قاعده فوق از سوی مفسران غیر معصوم را نمی‌پذیرند. در حالی که مفسران اصولی و مجتهد بر ضرورت کاربست قاعده فوق علاوه بر این معصومان علیهم‌السلام، در مفسران غیر معصوم نیز تأکید دارند.

۸- اخباریان ضرورت استناد توأمان و تناسب تفسیر ظاهری و باطنی را صرفاً در قلمرو تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام می‌پذیرند؛ ولی اصولیان مفسر تفسیر باطنی را هرگز منحصر به آگاهی ائمه علیهم‌السلام ندانسته و امکان دستیابی روشمند به باطن قرآن را برای مفسران راسخ غیر معصوم، مقدور و مجاز می‌دانند؛ ضمن آن که مستند به روش ائمه علیهم‌السلام به ضرورت توأمان بودن و تناسب تفسیری ظاهری و باطنی تأکید دارند.

منابع

- ۱- آرمیون، محمدرضا (۱۳۹۱): نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان «؛ حدیث اندیشه، ش ۱۳، ش.
- ۲- استرآبادی، محمد امین (۱۳۶۳ش): *الفوائد المدنیة*؛ قم: دار النشر لاهل البيت.
- ۳- اسعدی، محمد و طیب حسینی (۱۳۹۰ش): *سید محمود؛ پژوهشی در محکم و متشابیه*؛ قم: سازمان سمت.
- ۴- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق): *فرائد الاصول*؛ لجنه تراث الشیخ الانصاری.
- ۵- بحرانی، یوسف (۱۳۷۷ش): *الحدائق الناضرة*؛ قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۶- بهشتی، ابراهیم؛ *اخباری گری (۱۳۹۰ش): تاریخ و عقاید*؛ قم: پژوهشکده علوم و معارف حدیث.
- ۷- جزایری، سید نعمت الله (۱۴۰۱ق): *منبع الحیاء*؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق): *الفوائد الطوسیة*؛ تصحیح: مهدی لازوردی و محمد درودی، قم: المطبعة العلمیة.
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق): *وسائل الشیعه*؛ تصحیح و تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۰- حسینیان، روح الله (۱۳۸۰ش): *تاریخ سیاسی تشیع*؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۱- خدایاری، علی نقی و الیاس پوراکبر (۱۳۸۵ش): *تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم هجری*؛ قم: دارالحدیث.
- ۱۲- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق): *معجم رجال الحدیث*؛ قم: مرکز نشر احادیث شیعه.
- ۱۳- رازی نجفی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۳۰ق): *هدایة المسترشدين*؛ قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۱۴- رجبی، محمود (۱۳۹۸ش): *روش تفسیر قرآن*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۵- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰ش): *منطق تفسیر قرآن*؛ قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ۱۶- زین الدین عاملی، حسن (۱۳۶۵ش): *معالم الدین*؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۷- السبت، خالد بن عثمان (۱۴۲۱ق): *قواعد التفسیر جمعا و دراسة*؛ مصر: دار ابن عفان.
- ۱۸- سبحانی، جعفر (۱۴۲۵ق): *رسائل اصولیة*؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ۱۹- سبحانی، جعفر (۱۴۰۸ق): *کلیات فی علم الرجال*؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.



۲۰- سبجانی، جعفر (۱۴۲۱ق): *مقدمه بر کلیات لمعات الاصول الامام الخميني با عنوان اصول فقه*

نشوره و ادواره: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۱- شریفی، محمد و شاهرودی محمدرضا (۱۳۹۵ش): *پیامدهای اندیشه‌های اخباریان در حوزه پژوهش‌های قرآنی*، «آموزه‌های قرآنی، ش ۲۳».

۲۲- صدر، حاج سید جوادی و دیگران (۱۳۷۵ش): *دایرةالمعارف تشیع*؛ تهران: حکمت.

۲۳- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق): *من لا یحضره الفقیه*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۴- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق): *تفسیر المیزان*؛ قم: اسماعیلیان.

۲۵- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۴ق): *قرآن در اسلام*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۶- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق): *العدة فی اصول الفقه*؛ قم: موسسه بعثت.

۲۷- عابدی شاهرودی، علی (۱۳۶۹ش): *تشریح و نقد مسلک اخباری*؛ «کیهان اندیشه، ش ۳۲».

۲۸- عاملی اصفهانی، ابوالحسن (بی تا): *مرآة الانوار و مشکاة الاسرار*؛ قم: دارالکتب العلمیه.

۲۹- العمران، فرج (۱۳۷۵ش): *الاصوليون و الاخباريون فرقة واحدة*؛ نجف: الحیدریه.

۳۰- فاضل تونی (۱۴۱۲ق): *عبدالله: الوافیة فی اصول الفقه*؛ تحقیق: محمدحسین رضوی کشمیری، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۳۱- فائز، قاسم و شریفی محمد (۱۳۹۳ش): *پیدایش، سیر تطور و تداوم اخباری‌گری*؛ «کتاب قیم، ش ۱۱، سال ۴».

۳۲- فیض کاشانی (۱۳۹۰ق): *محسن: الاصول الأصلية؛ تصحیح: میرجلال الدین حسینی ارموی*، تهران: سازمان چاپ دانشگاه.

۳۳- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق) *تفسیر الصافی*؛ تهران: صدر.

۳۴- کاشف الغطاء (بی تا): *جعفر: الحق المبين فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین*؛ قم: شیخ احمد شیرازی، نسخه سنگی.

۳۵- کرکی عاملی، حسین (۱۳۹۶ش): *هدایة الأبرار إلى طریق الأئمة الأطهار؛ تصحیح: رؤوف جمال الدین*، نجف: مطبعة نجف اشرف.

۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش): *الکافی؛ تصحیح: علی اکبر غفاری*، تهران: دارالکتب الاسلامی.

۳۷- لوسن بی تاد (۱۳۸۹ش): *رویکردهای اخباریان شیعه به تفسیر*؛ «ترجمه: محمدحسن محمدی مظفر؛ آینه پژوهش، ش ۱۲۵».

- ۳۸- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق): *روضه المتقین*؛ تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی.
- ۳۹- مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ق): *لوامع صاحب قرانی*؛ قم: اسماعیلیان.
- ۴۰- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق): *بحار الانوار*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۴۱- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۷۵ش): *درایه الحدیث*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴۲- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش): *ده گفتار*؛ تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۳- مطهری، مرتضی (۱۴۱۹ق): *اسلام و مقتضیات زمان*؛ تهران: صدرا.
- ۴۴- مکی عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۲۳ق): *ذکری الشیعه*؛ قم: موسسه آل البيت.
- ۴۵- میری، سید سعید (۱۳۷۹ش): نظریه استقلال قرآن، مصاف علامه طباطبایی با اخباریان «؛ بینات، سال ۷، ش ۲۶.
- ۴۶- نفیسی، شادی (۱۳۹۲ش): جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی «؛ قرآن شناخت، سال ۶، ش ۲.
- ۴۷- وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۱۶ق): *الرسائل الاصولیه*؛ قم: موسسه وحید بهبهانی.
- ۴۸- وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۱۵ق): *الفوائد الحائریه*؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- ۴۹- ولایی، عیسی (۱۳۸۵ش): *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*؛ تهران: نشر نی.

references

- 1-Armion, Mohammadreza; "Incorrectness of attributing non-acceptance of Quranic appearances to Akhbarians"; Hadith Andisheh, No. 13, 2011 No.
- 2-Estrabadi, Mohammad Amin; al-Favaed al-madaniya ; Qom: Dar al-Nashar Le ahl al-Bait, 1363.
- 3-Asaadi, Mohammad and Tayeb Hosseini, Seyyed Mahmoud; A research in strong and similar; Qom: Position organization 1390 Sh.
- 4-Ansari, Morteza; Farid al-Asul; Al-Sheikh Al-Ansari Heritage Committee, 1419 A.H.
- 5-Bahrani, Yusuf; al-hadaeg Al-Nazar; Qom: Islamic Publications Institute, 1377.
- 6-Beheshti, Ibrahim; akhbarism, history and opinions; Qom: Research Institute of Hadith Sciences, 1390.
- 7-Jazayeri, Seyyed Nematullah; manbaa al-hayat; Beirut: Al-Alami Press



Institute, 1401 AH.

8-Hor Ameli, Mohammad Bin Hasan; al-favaed al-Tusiyyah; Edited by: Mahdi Lazourdi and Mohammad Daroudi, Qom: Al-Matbaatol Al-elmiah, 1403 A.H.

9-Hor Ameli, Mohammad Bin Hasan; vasael Al-Shia; Proofreading and research: Abd al-Rahim Rabbani Shirazi, Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, 1412 A.H.

10-Hosseinian, Ruhollah; political history of Shiya; Tehran: Islamic Revolution Document Center, 1380.

11-Khodayari, Alinaghi and Elias Pourakbar; The history of Shia hadith in the 8th to 11th centuries of Hijri; Qom: Dar al-Hadith, 1385.

12-Khoei, Seyyed Abulqasem; mojam Rijal al-Hadith; Qom: Shia Hadith Publications Center, 1410 A.H.

13-Razi Najafi Isfahani, Mohammad Taghi; Hedayt al-Mustarsheddin; Qom: Islamic Publishing Institute, 1430 AH.

14-Rajabi, Mahmoud; The method of interpretation of the Quran; Qom: Hozah and University Research Institute, sh.

15-Rezaei Esfahani, Mohammad Ali; The logic of Qur'an; an interpretation; Qom: Al-Mustafa International Translation and Publications Center, 1390.

16-Zainuddin Ameli, Hassan; Ma'alemmuddin; Qom: Islamic Publications institute, 1365.

17-Al-Sabt, Khalid bin Othman; ghavaed al-tafsir jamaan va dirasah ; Egypt: Dar Ibn Affvan, 1421 BC.

18-Sobhani, Jafar; rasale osuluah; Qom: Imam Sadiq Institute (AS), 1425 AH.

19-Sobhani, Jafar; Koliat fi elm al-rijal ; Qom: Management Center of hawzeh, 1408 AH.

20-Sobhani, Jafar; An introduction to Imam al-Khomeini's Lamaat al-osul under the title of "osul al-figheh nashavah and edurah" jurisprudence; Tehran: Imam Khomeini Editing and Publications Institute, 1421 A.H.

21-Sharifi, Mohammad and Shahrudi Mohammadreza; "The Consequences of Akhbarian Thoughts in the Field of Quranic Researches", Quranic Teachings, vol. 23, 2015 vol.

22-Sadr, Haj Seyed Javadi and others; Encyclopaedia of Shiya; Tehran: Hekmat, 1375.

23-Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babeveyh; man la yahzorohoo al-Faqih;

- Qom: Islamic Publication Office, 1413 AH.
- 24-Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein; Tafsir al-Mizan; Qom: Ismailian, 1393 A.H.
- 25-Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein; Quran in Islam; Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiya, 1394 A.H.
- 26-Tusi, Muhammad bin Hassan; Al-oddad fi osul al-figheh; Qom: Beathat Institute, 1417 AH.
- 27-Abedi Shahroudi, Ali; "Explanation and criticism of the akhbarism"; Kihan Andisheh, Vol. 32, 1369 Vol.
- 28-Ameli Esfahani, Abolhassan; merat al- anvar va meshkat al-asrar ; Qom: Dar al-Ketab al-Alamiya, Beta.
- 29-Al-Omran, Faraj; Al-Asuliun va Al-Khabariun firghat al-vahedah ; Najaf: Al-Heydriya, 1375 AD.
- 30-Fazil Toni, Abdullah; alvafiat fi osul al-figheh ; Research: Mohammad Hossein Razavi Kashmiri, Qom: Islamic Thought Council, 1412 AH.
- 31-Faez, Qasim and Sharifi, Mohammad; "Emergence, evolution and continuity of akhbarism"; Kitab Qayyim, Volume 11, Year 4, 2013.
- 32-Feiz Kashani, Mohsen; al-osul al-asliah; Edited by: Mirjalaluddin Hosseini Ermavi, Tehran: University Printing Organization, 1390 AD.
- 33-Feiz Kashani, Mohsen; Tafsir al-Safi; Tehran: Sadr, 1415 A.H.
- 34-Kashef al-Gheta, Jafar; Al-Haq al-Mubin fi tasvib al-Mujtahedin va takhteat al-Akhbariin; Qom: Sheikh Ahmad Shirazi, stone copy, Beta.
- 35-Karaki Ameli, Hossein; hedayat al-Abrar ela tarigh al-aemmat al-Athar; Edited by Rauf Jamaluddin, Najaf: Najaf Ashraf Press, 2016.
- 36-Koleyni, Muhammad bin Yaqub; al-kafi; Edited by: Ali Akbar Ghafari, Tehran: Dar al-Kitab al-Islami, 1363.
- 37-Lusen Bitad; "Approaches of Shiya Akhbarists to Tafsir"; Translation: Mohammad Hassan Mohammadi Mozafar; aeineye pajuheh, No. 125, 1389 No.
- 38-Majlesi, Mohammad Taghi; Al-rozat Al-Mutaqeen ; Tehran: Islamic Culture Foundation, 1406 AH.
- 39-Majlisi, Mohammad Taghi; Lavame Saheb Qurany; Qom: Ismailian, 1414 A.H.



- 40-Majlesi, Mohammad Baqer; Behar Al-Anvar; Beirut: Dar ehya al-Torath al-Arabi, 1403.
- 41-Modir Shanachi, Kazem; derayat al-hadith; Qom: Islamic Publications Office, 1375.
- 42-Motahari, Morteza; dah goftar; Tehran: Sadra Publishing House, 1368.
- 43-Motahari, Morteza; Islam and the requirements of time; Tehran: Sadra, 1419 A.H.
- 44-Makki Ameli (the first shahid), Muhammad; Zekra al-Shia; Qom: Al-ul-Bait Institute, 1423 A.H.
- 45-Miri, Seyed Saeed; "The theory of the independence of the Qur'an, Allameh Tabatabai's confrontation with the Akhbarians"; Bayanat, Year 7, No. 26, 1379 No.
- 46-Nafisi, shadi; "Jarry and tatbigh from the view of Allameh Tabatabai"; Knowing the Qur'an, year 6, volume 2, 2012.
- 47-Vahid Behbahani, Mohammad Baqer; Al-Rasael Al-Asuliah; Qom: Vahid Behbahani Institute, 1416 AD.
- 48-Vahid Behbahani, Mohammad Baqer; al-favaed al-haeriah ; Qom: majma al-Fekr al-Islami, 1415 A.H.
- 49-Welai, Issa ; Descriptive dictionary of osulic vocabulary; Tehran: Ney Publications, 1385.

Fourth period
The eight number
Spring & Summer
2022